

نماینده دوره نهم مجلس:

جبهه پایداری بدون خونریزی صداوسیما را گرفته‌اند، ۲ اتوبوس هم نیستند

مشاور علی لاریجانی در مجلس دهم گفت: امروز یک آبی را که حقایق ماست از هیرمند، نمی‌توانیم از طالبان بگیریم. این ناکارآمدی است. ما امروز در ضعیف‌ترین پوزیشن قدرتی در دنیا قرار گرفته‌ایم. امروز وارد نبردی در اوکراین شده‌ایم که نمی‌دانم چرا این اتفاق افتاده و باعث شده که در اروپا درگیر شویم. به چه دلیلی در آنجا یک طرف قضیه را گرفته‌ایم و می‌جنگیم؟ چه به ما داده‌اند؟ در چه چیزی سهیم شده‌ایم؟

به گزارش سایت خبری پرسون، منصور حقیقت‌پور، نماینده دوره نهم مجلس و مشاور علی لاریجانی در مجلس دهم در گفت‌وگو با برنامه پاراگراف به این سوالات پاسخ می‌دهد. در این گفت‌وگو سرنوشت انتخابات مجلس دوازدهم ذیل عملکرد دولت و مجلس انقلابی، نحوه تعامل و تقابل اصولگرایان برای انتخابات آتی مجلس، سهم نیروهای سعید جلیلی در دولت ابراهیم ریسی، سیاست خارجی دولت ابراهیم ریسی در منطقه و جنگ اوکراین، برنامه علی لاریجانی برای رقابت‌های اسفند ۱۴۰۲ و پیش‌بینی رفتار شورای نگهبان در انتخابات آتی مجلس نیز بررسی شده است.

در روزهای اخیر آقای لاریجانی پاسخی به خبر خبرگزاری تسنیم داد صدایی که از نامه آقای لاریجانی می‌آمد، صدای ناراحتی بود. آقای لاریجانی خیلی دلخور هستند، این‌طور نیست؟

من اگر از پیام آقای دکتر لاریجانی صدای دلخوری هم بشنوم خیلی کمرنگ است. من پاسخ عقلانیت در این پاسخ آقای دکتر لاریجانی می‌بینم، پاسخ پختگی می‌بینم، پاسخ یک انسان بزرگ برای یکسری آدم‌های کوچک می‌بینم که اشکال ایجاد می‌کنند و ان‌قلت می‌آورند. من در پیام آقای دکتر لاریجانی عصبانیت ندیدم، بلکه اعتماد به نفس، عقلانیت و پختگی دیدم.

تعبیری که خودشان به کار بردند که «مُلک را چاره‌ای دیگر باید» نشان می‌دهد منتظرند تا چاره‌های دیگری اندیشیده شود. آیا می‌توانیم از شما که جزو نزدیکان ایشان هستید خبر و تحلیل موثقی داشته باشیم که تصمیمی روشن دارند که به انتخابات ورود کنند یا خیر؟

آقای دکتر لاریجانی اظهار نکردند که قصد دارند در انتخابات شرکت کنند، اما قطعاً تمام تحولات کشور را رصد و کنترل می‌کنند. تا به امروز ما و جریان‌ها نزدیک به ایشان قرائن و شواهدی برای حضورشان در مجلس از ایشان نشنیده‌ایم. ایشان مواردی که در نامه فرمودند که چاره دیگری باید، در مقابل حرکتی است که در برابر جمهوری اسلامی ایران شروع شده و یکسری انسان‌هایی که قالب سیاسی خودشان را معیار قرار داده‌اند، صرفاً خودشان را حق ببینند و خودشان را ولایی ببینند و خودشان را انقلابی می‌دانند و دایره حکمرانی را برای افراد منسوب و نزدیک به گروه خودشان می‌بینند که آقای دکتر از تعبیر خاله‌سازی استفاده کردند، پس منظورشان از چاره‌ای دیگر این است که این مملکت متعلق به ۸۵ میلیون انسان است که در این جماعت انسان‌های فاخر، اندیشمند و گرانبه‌تری هستند که در چارچوب آن خاله‌سازی قرار نمی‌گیرند و به تبع تفکر آن جریان تمامیت‌خواه آنها هیچ سهمی در حکمرانی ندارند. شاید آقای دکتر چاره دیگر را در این می‌بیند که اجازه بدهیم انسان‌های دیگر هم بیایند و ایفای نقش کنند. فقط شما نیستید که دل‌تان برای این انقلاب و مملکت می‌سوزد، خیلی از آدم‌هایی که الان در حاشیه نشسته‌اند شاید حرفه‌ای‌تر و قوی‌تر از شما و حتی خالص‌تر از شما باشند. باید فضا را باز کرد که اینها هم بتوانند درون میدان عرض اندام کنند.

آقای لاریجانی قبل از اینکه خودشان از این دایره جدا شوند، بیرون بروند یا به دلایلی از طرف مقابل تمایلی به حضورشان در این دایره دیده نشود، در سال‌های قبل که هنوز خودشان در داخل این دایره در جایگاه تصمیم‌گیر بودند هم منتقد حاکمیت یک‌دست بودند؟

من هشت سال با ایشان در مجلس بودم؛ چهار سال به عنوان نماینده همکارشان و چهار سال هم مشاورشان بودم. در داخل مجلس نیروهای خالصی که از چپ و راست بودند با ایشان راحت کار کردند. آقای دکتر پزشکیان با ایشان کار کرده است، آقای دکتر تاج‌الدینی هم با ایشان کار کردند و اقلیت‌های دینی هم با ایشان خیلی خوب کار کردند. تمام دوستان عزیز ما در مجلس دوم از اهل سنت و اقلیت‌های دیگر با ایشان خیلی خوب کار کردند. آن سطحی از اصولگرایی که سطح تندرو نیست و ملایم و عاقل است با ایشان خوب کار کردند. این نشان می‌دهد ایشان این ظرفیت را دارند که با تمام جریان‌ها سیاسی کشور کار کنند و این سیره ایشان است و امتحان خوب پس داده و چه در زمانی که حاکم بوده این کار را انجام داده و چه الان که حاکم نیست هم این ادعا را دارد که خیلی‌های دیگر در مملکت هستند که می‌توانند کشور را بهتر از وضعیت موجود اداره کنند.

آقای لاریجانی بود که خواست از اصولگرایان فاصله بگیرد یا این اردوگاه اصولگرایی بود که در جایی ایشان را پس زد؟

اردوگاه اصولگرایی ایشان را پس نزد.

اما در تابستان ۹۸ دو تشکل اصلی جمنا و شورای ائتلاف دعوتی از ایشان نکردند.

نکنند، اینها تمام اصولگراها نیستند. ما اصولگراها را یک حزب نمی‌بینیم که دارای آموزه‌های مشخصی باشند. طیف‌های مختلفی هستند، ما حزب موتلفه را هم اصولگرا می‌بینیم، جریان انجمن اسلامی مهندسین را هم اصولگرا می‌بینیم. بسیاری از شاخه‌های روحانیت را اصولگرا می‌بینیم. به هیچ‌وجه این‌طور نبود که جامعه اصولگرایی ایشان را پس بزند. ما در داخل اصولگرایی جریان تندی داریم که آن جریان تند ابتدا آقای هاشمی و آقای ناطق و افراد دیگری را از سر راه برداشته است. الان هم نوبت آقای لاریجانی است. دقت کنید که آنها در رفتار گذشته‌شان مگر آبرو و اعتباری برای بزرگان ما قائل بودند؟ خیر. همه آنها را خیلی راحت حذف کردند، ابتدا حذف شخصیتی و خیلی راحت از روی‌شان عبور کردند. خاله‌سازی یعنی همین. یعنی یک جریان از ۱۵ سال قبل شروع شده و حالا ریشه‌هایش در کجاست باید تحقیق کرد و به آن رسید، اما این جریان که خودش را حق می‌پندارد و خودش را ولایی می‌پندارد و خودش را انقلابی می‌پندارد، خودش را حزب‌اللهی و تابع رهبر می‌پندارد، برای کسی دیگر حریمی قائل نیست و فکر می‌کنند فقط خودشان حقند. بقیه یا فتنه‌گرند یا جاسوسند یا ساکت فتنه‌اند یا افراد دیگر.

اجازه بدهید من این تعبیر شما را در مورد جریانی که خودش را انقلابی می‌داند و افرادی که در این اتاق‌های تصمیم‌گیر هستند با اسامی بررسی کنم. به نظر می‌آید این حلقه‌های تصمیم‌گیر الان در دست جبهه پایداری و البته یک مقدار طیف آقای زاکانی هستند که در این برهه‌های زمانی نقش پررنگی دارند. تصور می‌کنید چرا این‌طور شده است؟ سوالی که من مطرح کردم، نمایی است که خیلی از مردم عادی می‌بینند. چرا جبهه پایداری ویتترین جریان اصولگرایی شده است؟

به خاطر اینکه بلندگو و رسانه دارند و بدون خونریزی صداوسیما را گرفته‌اند. پول‌های زیادی برای فضای مجازی خرج کرده‌اند، بعضی از نهادهای قدرتی در اختیارشان است. با وجود پول، نهادهای قدرتی، رسانه و تربیون، یک جماعتی که سروته آن دوتا اتوبوس نیست خیلی راحت می‌توانند بیایند و با استفاده از بلندگو، صداوسیما، بعضی رسانه‌ها و فضای مجازی واقعیت‌ها را طور دیگری جلوه بدهند و از انسان‌های سالم، درست و مفاخر کشور مزدور و خائن و فتنه‌گر یا ساکت فتنه درست کنند. اینها به خاطر امتیازاتی است که در اختیار دارند؛ نهادهای قدرتی، ثروت و رسانه در اختیارشان است.

شما مشخصا صداوسیما را نام بردید، اما بعضی‌ها معتقدند که... مجلس انقلابی را با هم بررسی کنیم ببینیم چه دستاوردی داشته است؛ چقدر این تحلیل را قبول دارید که دولت آقای ریسی دست نیروهای آقای جلیلی بود؟ گویی دولت آقای جلیلی تشکیل شده، اما فقط رییس دولت یک نفر دیگر انتخاب شده است.

حتما همین‌طور است. من به این معتقدم. اینها توانستند یک مجلس و دولتی درست کنند و آقای ریسی دارای پتانسیل‌های نیروی انسانی نبود. اینها توانستند تیم آقای ریسی را بچینند و الان هم ناکارآمدی این حرکت دارد خودش را نشان می‌دهد. وزرایی که برکنار شدند، رییس سازمان برنامه و بودجه و... نشان داد این تفکر به‌رغم اینکه ادعای مدیریت کشور را دارد و می‌گوید من این توانایی را دارم، در عمل ناکارآمدی در رفتار، گفتار و کردارشان کاملا بروز و ظهور دارد.

عملکردی که می‌گویید چقدر می‌تواند در مشارکت انتخابات بعدی اثرگذار باشد؟

اگر شرایط این باشد قطعاً تصمیمات نادرست قوه مجریه توانسته مردم را سرد کند. به‌رغم اینکه مقام معظم رهبری تاکید جدی بر تولید و انتشار امید دارند، در رفتار قوه مجریه یا مقننه، چیزی نمی‌بینیم. این است که مردم احساس می‌کنند دیده نمی‌شوند و اثربخش نیستند. این در سیستم حکمرانی برای ما سم است، ما قوی‌ترین و بلندترین توان قدرت نرم منطقه را داشتیم. مردم ما در سخت‌ترین شرایط حامی حاکمیت بودند. الان به نظر می‌رسد ناکارآمدی ما در تصمیماتی که برای اقتصاد و فرهنگ کشور می‌گیریم، ناکارآمدی‌ای که امروز در سطح بین‌الملل داریم و به عنوان یک ناظر نشسته‌ایم تحولات دنیا و اطراف خودمان را نگاه می‌کنیم و ناظریم و هیچ تاثیری در این روند به نفع منافع ملی خودمان نمی‌بینیم، اینها یک مقدار مردم را ناامید می‌کند؛ توصیه من این است که مردم به‌رغم اینکه انتقادی که می‌کنند انتقادات درست و صحیحی است، ولی باید بدانند با عدم حضور در صحنه نمی‌توانند تحولات و تغییرات را ایجاد کنند و نباید سرد شوند و با صندوق‌های رای قهر کنند.

تصور می‌کنید شورای نگهبان ممکن است رویه‌ای متفاوت با دو انتخابات قبلی را در پیش بگیرد؟

من امیدوارم این‌طور باشد. شما دیدید در پاییز سال گذشته ما ۹۰ روز در این مملکت دچار اغتشاشات اجتماعی شدیم. خب شورای نگهبان اگر سهل‌تر و راحت‌تر و روان‌تر با کاندیداهای مجلس برخورد می‌کرد و تعدادی از افراد که دارای نوع نگاه دیگری هستند در چارچوب پذیرش نظام و قبول نظام دارای اختلاف سلیقه هستند، وارد مجلس می‌شدند، شاید بلندگوهای مجلس شورای اسلامی جایگزین رفتارهای کف خیابان می‌شد و آن برای ما هزینه‌اش کمتر بود و بار دموکراتیک رفتار نظام آنها بیشتر و ملموس‌تر احساس می‌شد. من امیدوارم شورای محترم نگهبان در مرحله جدید برخورد لین‌تری داشته باشد و ما شاهد حضور بیشتر جناح‌های مختلف سیاسی کشور در مجلس آینده باشیم که ان‌شاءالله همین مورد باعث خواهد شد مردم امیدوارانه پای صندوق‌های رای تشریف بیاورند.

مطالبی که درباره مجلس مطرح کردید... به هر حال سال پایانی مجلس را در پیش داریم. اخیرا یکی از نزدیکان آقای قالیباف، نماینده تهران آقای توانگر، نامه‌ای نوشتند خطاب به آقای آقانهانی و جوانان جبهه پایداری. در این نامه اشاره شد، جبهه پایداری در مجلس سنگ‌اندازی کرد تا خیلی کارها صورت نگیرد. موضوع حضور تعداد قلیل جبهه پایداری چقدر می‌تواند جریان‌ساز باشد که بخواهیم ناکارآمدی مجلس را انحصارا به آنها نسبت بدهیم. مدیریت آقای قالیباف در قبال جبهه پایداری راچطور دیدید؟ چون این تنش‌ها خیلی زیاد شده است. شمایل آن موضوع حجاب است، اما از قبل هم

بود.

شاید تعداد نمایندگان جبهه در مجلس کم باشد، اما با توجه به ترکیبی که امروز برای اداره کشور چیده‌اند، سایر مولفه‌های قدرت هم غیرمستقیم با پایداری هماهنگ می‌شوند. بالاخره تعداد قابل توجهی از نمایندگان با اینها هماهنگ هستند. شاید اعضای رسمی جبهه پایداری (همان‌طور که گفتم) بیشتر از دو اتوبوس در کشور نیستند که از این دو اتوبوس یک اتوبوس در مجلس است، اما باقی افراد هم با اینها در بعضی موارد همراهی می‌کنند و الان هم به نظر می‌رسد لبه تنش‌شان با آقای قالیباف وسیع و بزرگ شده و آقای قالیباف درگیر با این موضوع است و بروز و ظهور این را اتفاقاً در انتخاب هیات رییس چهارم مجلس یعنی در اوایل خردادماه مشاهده خواهیم کرد. به نظر می‌رسد آن‌طور که در قبل این جریان مدیریت شد و فرصت میدان‌داری به آن داده نشد - که تحت مدیریت آقای دکتر لاریجانی بود - الان آن رفتار را نمی‌بینیم.

شاید آقای قالیباف نمی‌خواهد هزینه‌هایی را که آقای لاریجانی داد بدهد، به هر حال درگیری با جبهه پایداری برای آقای لاریجانی هزینه‌ساز بود.

بله هزینه‌ساز بود، ولی آقای قالیباف بخواهد یا نخواهد این هزینه را پرداخت خواهد کرد. می‌بینید که آمار رای ایشان را. در مجلس نهم همین جریان در خصوص بحث تسریع به ماده واحده قبول مشروط برجام، خیلی ایجاد مشکل کرد. چه در تصویب و چه در جلسه‌ای که اینها در حضور مقامات مسوول کشور در بیت رهبری داشتند، در آنجا آن ماده واحده تنظیم نهایی شد، به‌رغم اینکه در آنجا همه نظر مثبت دادند، اما این دوستان در کف مجلس هم رای ندادند و هم اعتراض جدی‌ای به مدیریت جلسه داشتند و به این نحو تصویب شد. در صورتی که آن ماده واحده تبدیل به مصوبه نظام شده بود و آقای دکتر لاریجانی دیگر نمی‌توانست اجازه دخل و تصرف بدهد و کلیت طرح را به رای نمایندگان محترم گذاشت و ما در آنجا شاهد بودیم همین دوستان رای ندادند. اگر رای می‌دادند رای برجام باید بالای ۲۲۰، ۲۳۰ می‌رفت، اما روی ۱۵۰، ۱۶۰ تصویب شد.

اینکه واضح است جبهه پایداری به صورت کلی از ابتدا با این موضوع مخالف بوده و معتقد است باید همین شرایط تنش ادامه پیدا کند و آن را نوعی مقاومت می‌داند، بنابراین واضح بود. ولی همین موضوع یکی از دلایل ردصلاحیت آقای لاریجانی نبود؟

نه این نبود، البته کینه‌ای که اینها از آقای لاریجانی داشتند در قالب گزارش‌های کاذب و دروغین - که مقام معظم رهبری هم اشاره کرد که گزارش‌ها همه دروغ بود - بروز و ظهور پیدا می‌کند. این جریان مخالفت و اعتراض خودشان را می‌کنند، پاسخ می‌گیرند و اگر لازم باشد اصلاحات انجام می‌دهند. در آنجا اعلام می‌شود که این نظر نظام است، اما باز هم در کف مجلس رای نمی‌دهند و البته اکثریت مجلس تصویب کرد.

در همین مقطع کنونی، اگر برجام احیا شده بود، الان دو سال بوده که توافق جدید برجام را تمام کرده بودیم، علت اینکه به تاخیر افتاد تا به اینجا رسیدیم، این است که دیدیم امریکایی‌ها ناز می‌کنند و پای کار نمی‌آیند. میزان خسارت وارده بر مردم عزیز ایران صرفاً از محل فروش نفت ۳۰۰ میلیون دلار در روز است؛ یعنی دو میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار در هفته است، هشت و نیم میلیارد دلار در ماه است و این دو سال نزدیک به ۲۰۰ میلیارد دلار ضرر دادیم، صرفاً از اینکه امروز نفت ما تحریم است و باید قیمت آن را طوری تنظیم کنیم که بتوانیم بفروشیم، در حمل‌ونقل، جابه‌جایی پول و همه اینها مشکل خواهیم داشت و ما همین ضرر را در پتروشیمی، شپینگ، بانک، بیمه و... می‌دهیم. همین ضرر را مردم، صادرکنندگان و واردکنندگان مان پرداخت می‌کنند که نمی‌توانند بارشان را بیاورند و پول‌شان را جابه‌جا کنند. این خسارت بزرگ را بر این مردم عزیز، ملت شریف و مملکت مبارک چه کسی تحمیل کرده است؟

ابتدای مجلس یازدهم هم زمانی که هنوز دولت آقای روحانی بود، قانونی تصویب شد که آقای روحانی مدعی بود دست ما را برای توافق بستند. نمی‌دانم شما آن مصوبه اقدام راهبردی را خاطرتان هست.

بله، اما بعد از آن توافق کردند. توافقی صورت گرفت که امریکایی‌ها و اروپایی‌ها آماده امضا بودند.

در دولت آقای ریسی؟

نه در پایان دولت آقای دکتر روحانی، آقای دکتر روحانی هم گفته بود که ما داریم دولت را تحویل می‌دهیم و بهتر است آقای ریسی روی این قصه تصمیم بگیرد. خب به آقای ریسی عزیز ارایه شد. وقتی آقای جلیلی منفی نظر می‌دهد، تمام فکر و برنامه‌های آقای ریسی را روی عدم تصویب می‌برد. نتیجه‌اش این می‌شود که ما در این دو سال یعنی از تیرماه ۱۴۰۰ به بعد قریب به ۲۰۰ میلیارد دلار فقط در فروش نفت ضرر کردیم.

پس آقای جلیلی خیلی روی فکر آقای ریسی تاثیر دارند.

حتما دارند، آقای جلیلی هم تنها نیستند بالاخره یک دانشگاه و جماعتی پشت سر ایشان است؛ ایشان نمود آن دانشگاه و آن جریان سیاسی است که روی آقای ریسی تاثیر می‌گذارد و آقای ریسی هم متأسفانه تاثیر می‌پذیرد.

با این رقابت تصنعی فارغ از عبارتی که آقای لاریجانی به کار بردند، خیلی‌ها پیش‌بینی می‌کنند که برنده انتخابات مجلس دوازدهم باز هم جبهه پایداری خواهد بود؛ یعنی هرچه مشارکت پایین‌تر باشد اینها پیروز میدان هستند.

راهبرد این جریان برگزاری انتخابات حداقلی است.

راهبرد جبهه پایداری؟

من مجموعه می‌بینم، جبهه پایداری یک عضو است. اینها می‌خواهند انتخابات با حداقل آدم‌ها برگزار بشود، چون در حداقل آدم‌ها مشکلی ندارند. به هر حال جماعتی طرفدار اینها هستند که در هر شرایطی رای می‌دهند. اشکال بزرگ دموکراسی هم این است، دموکراسی دیکتاتوری اعداد است. دموکراسی نمی‌گوید جمهوری اسلامی ایران ۸۵ میلیون آدم دارد و ۵۰ میلیون آن می‌تواند رای بدهد، خب اگر بشود ۲۵ میلیون به اضافه یک نفر برنده است. دموکراسی می‌گوید اگر پنج میلیون نفر شرکت کردند، دو و نیم میلیون نفر به اضافه یک برنده است. لذا اقلیتی هستند که همواره پای کارند، اما توده مردم، عمده قشر جوانان، سایر اقشار رنجیده‌اند. ما اگر می‌خواهیم منویات مقام معظم رهبری در خصوص انتخابات سالم، پرشور و رقابتی فراهم شود، اولاً باید از مردم دلجویی کنیم، اعتماد مردم را مجدداً نسبت به نظام برقرار کنیم و با اصلاحاتی که در نظارت‌مان انجام می‌دهیم، اجازه بدهیم که اقشار مختلف نمایندگان خودشان را داشته باشند. تترسیم از اینکه یک مجلس ۲۹۰ نفره ۵۰ نفر مخالف داشته باشد، خب داشته باشد. مخالف هم حتماً طرح، نظر و دیدگاهی دارد. باید حرف او را بشنویم. اینکه نمی‌شود هر چه خودمان گفتیم را عمل کنیم، خودمان مصوب کنیم و خودمان عمل کنیم، خب می‌شود شرایط کنونی که نمی‌توانیم مشکل یک تخم‌مرغ یا مرغ را حل کنیم یا نمی‌توانیم مشکل خودرو و روابط خارجی را حل کنیم. به خاطر اینکه خودمان مصوب می‌کنیم، خودمان عمل می‌کنیم، به خودمان احسنت می‌گوییم و می‌گوییم مجلس قوی و دولت قوی و همه این کارها را انجام می‌دهیم. در آخر نمی‌توانیم درباره یک پیاز نظر بدهیم که قیمتش عوض می‌شود. اما اگر چهار نفر نقاد بغل دست ما باشد، به ما می‌گوید که تدابیر شما در فروش، تولید و کار خودرو اینجاست و آن را اصلاح کنید تا شرایط درست شود.

تصور می‌کنید موضوع حکمرانی نو آقای قالیباف که مطرح می‌کنند یک عبارت است؟ چون منتقدان ایشان می‌گویند این فقط یک عبارت است و عملکردشان در مجلس نشان داد ایشان اساساً نمی‌توانند طرح نویی دراندازند یا اینکه ممکن است از دل جریان‌های سیاسی اصولگرا، یک‌باره حکمرانی نو هم بیرون بیاید؟

حکمرانی‌ای که ما الان داریم مطلق که نیست. قطعاً می‌تواند به این حکمرانی اشکالاتی وارد شود که ما هم این اشکالات را می‌بینیم. مثلاً می‌گویند در مملکت یک جریان باید کار کند و پنج، شش جریان باید ناظر آن باشند. ما چقدر خرج می‌کنیم تا دستگاه‌های نظارتی، سازمان بازرسی و دستگاه‌های اطلاعاتی‌مان ناظر باشند که یک دستگاه اجرایی خطا نکند؟ چقدر خسارت می‌دهیم؟ اینکه بتوانیم حکمرانی‌مان را به‌روز کنیم، حرف بدی نیست. ۴۰ سال است با این دست‌فرمان جلو می‌رویم و تصمیم می‌گیریم دست‌فرمان را عوض کنیم. اشکالی ندارد.

اگر بخواهید به آقای قالیباف در مدیریت مجلس نمره‌ای بدهید، چه نمره‌ای می‌دهید؟

اجازه بدهید من آن قصه را بگویم. من هم معتقدم آقای دکتر قالیباف حکمرانی نویی که فرمودند، اصول و مبانی تدوین شده‌ای ندارد. این را در حد یک شعار گفته است. جناب آقای دکتر قالیباف آدم اجرایی‌ای است و جایش در خیابان بهشت خالی است.

جای‌شان را به آقای زاکانی داده‌اند.

من جای ایشان را در آنجا می‌بینم. آقای زاکانی هم باید دنبال شعار دادنش در خیابان‌ها برود.

به نظر می‌آید آقای زاکانی تصمیم دارد از ساختمان شهرداری مسیری را که آقای احمدی‌نژاد رفت، برود. حداقل منتقدان ایشان می‌گویند مشغول کارهای سیاسی است تا مدیریت شهر تهران.

قطعاً همین‌طور است. ما هیچ چیز جدی‌ای از ایشان در شهرداری تهران نمی‌بینیم. ایشان کار جدی را در شهرداری تهران در پایتخت بزرگ ایران اسلامی انجام نداده‌اند. می‌توانند کارنامه‌شان را ارایه بدهند که چه کرده‌اند. بله چند هزار مداح را به مشهد بردند و چند هزار افطاری دادند و در هر افطاری به هر آدم هدیه دادند که خدا از ایشان قبول کند. اما برای شهر تهران کاری نکردند.

اگر قرار باشد شما به عنوان طیفی از جریان اصولگرایی که به طیف آقای لاریجانی موسوم است، با طیف‌های دیگر مانند طیف آقای زاکانی و آقای قالیباف پشت میز بنشینید و برای انتخابات مجلس بعد تصمیم بگیرید، فکر می‌کنید گفتمان مشترکی بین شما و جریان آقای قالیباف و نزدیکان آقای زاکانی باقی مانده است؟

باید ذره‌بین برداریم و بگردیم ببینیم چیزی مانده یا خیر. اینها از همه چیز ما عبور کرده‌اند.

پس شما هنوز خودتان را جریان اصولگرایی می‌دانید و آنها هستند که از جریان اصولگرایی...

ما جریان اصولگرایی هستیم که انحصارطلب نیستیم، جریان اصولگرایی هستیم که به عقلانیت ارزش قائلیم. جریان اصولگرایی هستیم که برای بقیه هم در حاکمیت حق قائلیم. جریان اصولگرایی هستیم که صرفاً رهبر را برای خودمان نمی‌خواهیم. رهبر متعلق به همه مردم است. جریان اصولگرایی هستیم که خشن نیستیم و جریان اصولگرایی هستیم که...

رخدادهای پاییز سال گذشته را چقدر ناشی از عملکرد دولت آقای ریسی و مجلس یازدهم می‌دانید؟

افق ناکارآمدی. اینها نشان دادند که نمی‌توانند و این واقعیت جمهوری اسلامی ایران نیست. نیروهای عاقل جمهوری اسلامی در حاشیه نشسته‌اند، بیکارند و در خانه‌هایشان نشسته‌اند. اگر به آن آدم‌ها میدان داده شود... ما امروز در دانشگاه‌ها چقدر انسان‌های فاخری داریم که فقط غصه می‌خورند، چقدر جوانان لایقی داریم که می‌توانستند بار این مملکت را بر عهده بکشند و الان دارند مهاجرت می‌کنند. من کارآمدی‌ای از این دولت [نمی‌بینم]؛ البته دعا می‌کنم که ان‌شاءالله کارآمد بشود، اما الان کارآمدی از دولت نمی‌بینم. ببینید ارزش پول ملی ما چطور شده است، دلار را چند تحویل گرفتند؟ ۲۳

[هزار] تومان، الان چند است؟ این در واقع ثروت مردم ایران است، سرمایه مردم ایران را به تاراج دادند. وزن ژئوپلیتیک ما را در دنیا ذوب کردند. ما دارای قدرت در دنیا بودیم، یک سردار سلیمانی ما در دنیا موازنه برقرار می‌کرد. امروز یک آبی را که حقایق ماست از هیرمند، نمی‌توانیم از طالبان بگیریم. این ناکارآمدی است. ما امروز در ضعیف‌ترین پوزیشن قدرتی در دنیا قرار گرفته‌ایم. امروز وارد نبردی در اوکراین شده‌ایم که نمی‌دانم چرا این اتفاق افتاده و باعث شده که در اروپا درگیر شویم. به چه دلیلی در آنجا یک طرف قضیه را گرفته‌ایم و می‌جنگیم؟ چه به ما داده‌اند؟ در چه چیزی سهمیم شده‌ایم؟ حاصلش این بود: به جنگی که بین شرق - روسیه، اروپا و غرب - بود ورود کردیم بدون اینکه دستاوردی برایمان داشته باشد و خودمان را با اروپایی‌ها درگیر کردیم.

به نام سردار سلیمانی اشاره کردید، فکر می‌کنم سال‌های طولانی معاون ایشان بودید.

بله.

تصور می‌کنید اگر سردار سلیمانی امروز بود، چه ارزیابی‌ای از وضعیت دولت و مجلس داشت و به دنبال چه گزینه‌هایی برای روی کار آمدن بود؟

من به موقع گزینه آقای سردار سلیمانی را خواهم گفت که برای ریاست‌جمهوری چه بود. فکر می‌کنم حتماً آقای سردار سلیمانی هم منتقد بود، چون همین اوضاع مقاومت که ایشان زحمت کشید؛ سوریه، عراق، افغانستان و یمن... الان وضعیت ما چیست؟ دستاوردهای آقای سردار سلیمانی را حفظ یا حراج کردیم؟ الان وضعیت ما در عراق، لبنان و سوریه خوب است؟ من می‌دانم ایشان در آنجا چه کشید. در مجلس که بودم در این زمینه کمک‌شان می‌کردم. الان اراده‌ای جدی برای درو کردن دستاوردهای سردار سلیمانی در جهان مقاومت نیست. صرفاً مقام معظم رهبری است که مانند کوهی ایستاده و مقاومت می‌کند، اما در سایر جریان‌های اراده‌ای برای دفاع از دستاوردهای سردار سلیمانی در این مناطق نمی‌بینیم.

منبع: اعتماد